

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ مارچ ۲۰۱۹

ورود زنان "غنی احمدزی" و "زلمی خلیلزاد" در جنگ قدرت!

۴

سه شنبه- ۱۴ حوت ۱۳۹۷ - کابل: در بخشهای قبلی این نگاشته، نوشته آمدم که نقش زنان طبقات حاکم به خصوص زمامداران و مقامات درجه یک کشور در حاکمیت و فعالیت های اجتماعی و سیاسی چه بوده و چگونه "غنی احمدزی" زمانی که خود را زیر فشار خودسری های "زلمی خلیلزاد" شریک جنایاتش دید، با استفاده ابزاری از همسرش عرصه مبارزه جدیدی را گشوده و از آن طریق حملاتش را بر مواضع "خلیلزاد" شدت و حدت بخشید.

۹- با شدت گیری حملات "غنی احمدزی" و توپخانه جدیدش زیر قومندانی "روغنی" و تأثیرگذاری نسبی این حملات در داخل و خارج، "زلمی خلیلزاد" نیز به جای آن که خودش پاسخ اتهامات، سوالات، شبهات و بی باوری هائی را که حرکات "روغنی" موجب شده بود بدهد، از همسر امریکائی اش "شرل بنارد"، خواست تا وارد میدان شده زهرپراگنی همسر "غنی احمدزی" را خنثا نماید.

نامبرده نیز با نوشتن مطلبی و انتشار آن در یکی نشرات پرنفوذ و سابقه دار امریکا موسوم "نشنال انترست" که به گفته خارج دیده ها نقش برارنده ای در سمتهای افکار نخبگان جامعه امریکا دارد، نه تنها پاسخ "روغنی" را با الفاظ تقریباً سخت و محکم عوامگرایانه داد، بلکه پای را از آنهام فرا تر گذاشته در لابه لای جملات دقیق چیده شده سیاسی - استخباراتی به تمام زنان افغانستان نیز توهین نموده، روزگار مصیبت بار آنها را محصول بی عملی و نظاره گری و حتا بی کفایتی خود زنان افغان اعلام داشت. جنگ لفظی بین زنان "غنی احمدزی" و "زلمی خلیلزاد" چند نکته را به وضاحت نشان داد:

الف- با تمام ادعاهائی که هر دو طرف قضیه یعنی "غنی احمدزی" و "زلمی خلیلزاد" از تعلقات تباری و قومی خویش دارند و می خواهند افغانستان "گلستان اقوام" را به زعم خودشان یکدست ساخته به باغ یک گل مبدل بسازند و از همین طریق توانسته اند نفرت و بدبینی بین اقوام با هم برادر افغانستان به وجود بیاورند، با وارد ساختن زنان شان به میدان جنگ و استفاده ابزاری از زنان شان، در عمل نشان دادند که استعمار و روابط استعماری آنچنان آنها را مسخ فرهنگی نموده که وقتی پای منافع شخصی شان در میان باشد حاضر نیستند کمترین اهمیتی به ارزش های فرهنگی قوم و تبار خود داشته باشند.

این را می دانیم که بین پشتونها و آنچه به مثابه سنن اجتماعی شیرازه حیات اجتماعی تمام اقوام پشتون را در غیاب حاکمیت های مرکزی مقتدر، استوار نگهداشته "پشتونوالی" است. بدون آن که با وارد شدن به بحث خوبی و یا بدی این سنن بحث ما را طولانی بسازیم باید بنویسیم که یکی از ارزش های غیر قابل تخطی و همیشه محترم در این مجموعه، حرمت گذاری به زنان- دلایل آن در اینجا مطرح نیست- می باشد.

بر مبنای همین حرمت گذاری در تمام افغانستان وقتی دعوائی بین مردان به وجود می آید کمتر فردی پیدا می شود و به خود اجازه می دهد، که با ورود پای زنان در قضیه، هنوز هم به دعوا ادامه دهند. بلکه با ورود پای یک زن در دعوا، به مثابه یک سنت نانوشته، طرف راه خود را گرفته، دوام دعوا را می گذارد به زمانی که مردان بین خود تصفیه حساب بتوانند. از آن گذشته هیچ مرد افغان که بویی از مردانگی نه به مفهوم فرهنگ مردسالار جامعه افغان بلکه به مثابه یک شریک زندگی برده باشد، به خود اجازه نمی دهد تا از همسرش استفاده ابزاری نموده در دعوی خودش از وی استفاده نماید و یا به گفته مردم و زبان برهنه آنها "پشت زن سنگر بگیرد".

ب- آغاز درگیری بین "شرل بنارد" همسر "زلمی خلیل زاد" که حتا در تمام این مدت علی رغم زیستن در پناه قدرت و تمول وی، حاضر نبوده تخلص شوهرش را به حیث اسم مشترک خانوادگی بپذیرد و از همین رو فرزندان "خلیل زاد" اسم خانوادگی "بنارد" را بر خود دارند، و "رولاغنی" دورگه لبنانی افغان شده که حتا قومیت خود را در کمال جهل "پشتون" اعلام می دارد، علی رغم آن که هر دو روابط عمیق استخباراتی با نهاد های ۱۶ گانه امپریالیسم امریکا و چه بسا کشور های دیگر امپریالیستی نیز دارند، مبین آن است که قضایای افغانستان و چگونگی یافتن راه حل برای آنها نه تنها در افغانستان مردم را پراکنده ساخته از گرویدن به یک راه حل همه گیر باز می دارد، بلکه در خارج از افغانستان به خصوص در کشور های اشغالگر نیز باعث پراگندگی و تشتت گردیده، چه بسا گذشته از بروز تضاد بین نهاد های متعدد، در داخل یک نهاد نیز رسیدن به یک راه حل مشخص در مقطع کنونی مقدور نباشد.

پ- درگیری بین "روغنی" و "شرل بنارد" را نباید به درگیری بین دو فرد خلاصه و تعبیر نمود، بلکه با در نظر داشت تعلقات امنیتی-استخباراتی آنها، این درگیری را باید به مثابه انعکاس آن تضادهای دانست که در درون طبقه حاکمه امریکا و نمایندگان سیاسی آنها وجود دارد. از همین رو هم است که هریک از آنها در صحبت ها و اعلام مواضع شان، مخاطبان خاص خود را نشانه گرفته، برای آنها سخن می گویند.

ادامه دارد